

بازی بچه ها در یک روز زمستانی

آدم برفی چی می خواست؟

زمان زلزله کجا می روی؟

۸

حسود همیشه تنهاست

۱۴



با ایمنی به جنگ زلزله برو

بعد از نام و یاد خدای عزیز و مهربان که هر چه داریم از اوست، سلام می‌کنیم به شما دوستان خوب کوله‌پشتی که همیشه در کنار مایید. امیدواریم که در این روزهایی که به زمان امتحانات نزدیک می‌شوید، پرنرزی و سالم باشید و بتوانید با پوشیدن لباس مناسب و گرم از سلامتی خودتان مراقبت کنید.

بچه‌های عزیز، همان طور که می‌دانید امروز «روز ایمنی در برابر زلزله و کاهش اثرات بلایای طبیعی» است. حتماً می‌پرسید ایمنی یعنی چه؟

ایمنی یعنی اینکه ما همه کارهایی را که زمان هر رخداد طبیعی مثل سیل و زلزله یا هر اتفاق خطرناک، باید انجام بدهیم بلد باشیم. ایمنی یعنی اینکه وقتی می‌خواهیم خانه، سد، ساختمان و پل بسازیم، همه اصول درست مهندسی و ایمنی را رعایت کرده باشیم. این طوری دیگر با آمدن زلزله خانه‌ها و ساختمان‌ها و پل‌ها خراب نمی‌شوند و جان انسان‌ها به خطر نمی‌افتد.

بعضی از مدارس در این روز برای دانش‌آموزان برنامه‌هایی مثل مانور زلزله یا کلاس‌های آموزشی خوب برای آشنایی با این حوادث طبیعی برگزار می‌کنند تا وقت زلزله بچه‌ها دیگر نترسند و بدانند که باید در چه جاهای امنی پناه بگیرند. با آشنایی با اصول ایمنی ما می‌توانیم قدرت تخریب زلزله را کم کنیم و در جنگ با آن پیروز شویم.



طیبه ثابت

فهرست

- مراقب سلامتی‌ات باش ۱/
- یک روز بر فی ۲/
- جادفتری و جاقلمی زیبا ۳/
- جادفتری و جاقلمی زیبا ۴/
- برنده شو! ۵/
- زمان زلزله کجا می‌پیدا کن ۶/
- هیچ چیزی نترسید! ۱۰/
- توپک‌های شکلاتی ۱۲/
- دو کتاب جالب و خواندنی ۱۳/
- جسود همیشه تنهاست ۱۴/
- دختر مهربون و نمونه ۱۶/

- صاحب امتیاز:
- شهرداری مشهد
- مدیر مسئول:
- سید میثم موسوی مهر
- سر دبیر:
- سید سجاد طلوع هاشمی
- دبیر ضمانت:
- ارژنگ حاتمی
- دبیر کوله‌پشتی:
- طیبه سادات ثابت
- گرافیک و صفحه‌آرایی:
- ملک جمعی
- ویراستار:
- طیبه غلام‌رضایی

- پست الکترونیک:
- sabet@shahrara.com
- نشانی سایت:
- shahraranews.ir/fa/kids
- پیام‌رسان روزنامه: ۰۶۰-۵۴۶۵۸۰۶۰
- نشانی:
- خیابان کوهسنگی
- ابتدای کوهسنگی ۱۵
- دفتر مرکزی: ۵-۸۸۱-۳۷۲۸۸۸۸۱
- توزیع و امور مشترکین:
- ۵-۸۸۱-۳۷۲۸۸۸۸۱
- داخلی ۴۷۱ و ۴۷۲



مراقب سلامتی باش

بچه های عزیز! برای اینکه همیشه سالم و پرانرژی باشیم، باید در خوردن کمی دقت داشته باشیم و آگاهی های خود را درباره خوراکی های خوب افزایش دهیم. امروز می خواهیم درباره فایده های خوردن ماهی و نخود سبز صحبت کنیم:



ماہی:

خوب است بدانید که گوشت ماهی سرشار از پروتئین، امگا ۳، ویتامین های D و E و مواد معدنی لازم برای سلامتی بدن ماست. ماهی به دلیل داشتن ویتامین D نقش مهمی در سلامت استخوان ها و دندان های ما دارد. مصرف ماهی در برنامه غذایی هفتگی یا ماهیانه، ما را از ابتلا به بیماری های قلبی و بیماری های اعصاب و فراموشی حفظ می کند.



نخود سبز:

نخود سبز که بعضی آن را در گروه سبزیجات و بعضی دیگر آن را مثل لوبیا و عدس در خانواده حبوبات به شمار می آورند، یک خوراکی مفید برای سلامتی و سرشار از ویتامین های A و C و مواد معدنی خوب مثل آهن و فسفر است. پس از این به بعد که این نکته ی مهم را دانستید، نخود سبزه های توی ظرفتان را کنار نگذارید. بله این دانه های کوچک سبزرنگ به دلیل داشتن پروتئین گیاهی و فیبر، دوست معده و دستگاه گوارش به شمار می آید. یعنی خوردن نخود سبز هفته ای یک بار باعث می شود که شما به بیماری های روده ای دچار نشوید. به علاوه، نخود سبز حاوی برخی از مواد معدنی، مثل منیزیم، پتاسیم و کلسیم است که برای قلب مفید هستند.





یک روز برفی

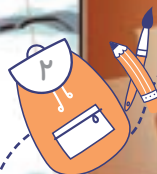
تا صبح هی زمستان
در کوچه ها قدم زد
از آسمان همین جور
هی برف و برف آمد

حالا که برف زیبا
باریدنش تمام است
یک کوه سرد برفی
بر روی پشت بام است

ما می رویم بازی
در برف شاد و خندان
چون رادیو خبر داد
تعطیل شد دبستان



تصویرگر: راضیه فلاحیان





جادفتری و جاقلمی زیبا

چطوری درست کنیم؟

یک سؤال، شما با جعبه یا کارتن‌های خالی چه کار می‌کنید؟ شاید برای بازیافت در کیسه زباله‌های کاغذی می‌اندازید. اما دست نگه دارید! شما با آن‌ها می‌توانید یک جادفتری و جاقلمی زیبا درست کنید. ابتدا چند جعبه مقوایی پیدا کنید. دقت کنید که جعبه‌ها را می‌توانید در ارتفاع گوناگونی انتخاب کنید. حواستان باشد که عرض دوسه جعبه‌ای که می‌خواهید عمودی کنار هم بچسبانید، یک اندازه باشد. خوب حالا بعد از خشک شدن روی آن را رنگ کنید و برای زیباتر شدن نشان، نوارهای کاغذ رنگی یا کاغذ کادو بچسبانید. بچه‌های عزیز برای اینکه مدادهای شما در جامدادی تفکیک شود و به راحتی قابل برداشتن باشد، می‌توانید چند لوله مقوایی در آن قسمت مطابق شکل بچسبانید.

چی لازم داریم؟

کارتن یا جعبه‌های خالی

چسب مایع

کاغذ کادوهای باطله یا نوارهای کاغذی

قیچی



زاهرا عرفانی





آدم برفی چی می‌خواست؟



پوستش را برای دو تا چشم آدم برفی گذاشتند. خیلی قشنگ شد. احسان یک برگ جای دهان آدم برفی گذاشت و جواد یک دانه سنگ گذاشت جای دماغ آدم برفی. انگار آدم برفی از دماغ خوشش نیامد. سرش را تکان داد و آن را انداخت. احسان دوباره سنگ را برداشت و گذاشت جای دماغ آدم برفی. آدم برفی باز هم سرش را تکان داد و سنگ را انداخت. رضا گفت: «باید یک دماغ دیگر پیدا کنیم. از این خوشش نمی‌آید.» سعید کوچولو گفت: «بله، آدم برفی که بدون دماغ نمی‌شود، چه جوری برف‌ها را بو بکشد!» معین فکری کرد و گفت: «هویج لازم داریم. آدم برفی حتماً از دماغ هویجی خوشش می‌آید.» آدم برفی این را که شنید، لبخند زد. بچه‌ها یکی یکی رفتند خانه‌هایشان تا هویج بیاورند. اما یک مشکلی بود. هیچ کدام توی خانه هویج نداشتند. همه ناراحت برگشتند کنار آدم برفی بدون دماغ. آدم برفی هم ناراحت شد. همین موقع بچه‌ها عمه خانم را دیدند که از خرید برمی‌گشت. عمه خانم تا بچه‌ها و آدم برفی را دید، لبخندی زد و گفت: «به‌به، عجب آدم برفی قشنگی!» احسان آهی کشید و گفت: «حیف دماغ ندارد.» سعید کوچولو لب‌هایش را آویزان کرد و گفت: «هویج نداریم.» عمه خانم با مهربانی گفت: «اما من دارم. همین الان برای سوپ، هویج خریدم.» بعد دست برد توی سبد خریدش و یک هویج تروتازه و نارنجی بیرون آورد و داد به بچه‌ها و گفت: «بفرمایید، این هم دماغ آدم برفی شما.» بچه‌ها با خوش حالی دماغ آدم برفی را سر جایش چسباندند. آدم برفی خوش حال شد و خندید. بچه‌ها زود کنار آدم برفی ایستادند تا عمه خانم با گوشی‌اش یک عکس یادگاری از آن‌ها بگیرد. به‌که چه عکسی! به‌که چه آدم برفی قشنگ و خنده‌رویی!

برف که می‌بارد، همه‌ی بچه‌ها دلشان برف بازی می‌خواهد. بچه‌های مجتمع هم تا چشمشان به برف‌های توی حیاط مجتمع افتاد، دلشان برف بازی خواست. بچه‌ها از مدرسه که برگشتند، حیاط مجتمع پر از برف شده بود. دو ساعتی می‌شد که بارش برف شروع شده بود. علی و رضا لبخند زنان به حیاط مجتمع نگاه کردند و گفتند: «جانمی! برویم کیف‌هایمان را بگذاریم و برگردیم برف بازی.» علی همان جور که سمت آپارتمان‌شان می‌دوید، گفت: «دستکش بادت نرود. می‌خواهیم آدم برفی درست کنیم.» رضا لبخندی زد و گفت: «باشد. برای آدم برفی چشم هم می‌آورم.» خیلی طول نکشید که علی و رضا برگشتند به حیاط مجتمع. سرتاپایشان را حسابی پوشانده بودند تا سرما نخورند. علی گفت: «یکی از آن آدم برفی غول‌ها درست می‌کنیم.» رضا به علامت تأیید سرتکان داد و گفت: «عالی می‌شود.» دوتایی که مشغول درست کردن تن آدم برفی شدند، احسان و معین هم از راه رسیدند. سعید کوچولو هم با دوستش جواد آمد. همه عاشق درست کردن آدم برفی بودند. برای همین شروع کردند به کمک. یکی برف می‌آورد، یکی برف‌ها را گلوله می‌کرد و یکی برف‌های گلوله شده را روی تن آدم برفی می‌چسباند. بچه‌ها تند و تند تلاش می‌کردند و آدم برفی ذره ذره بزرگ‌تر و کامل‌تر می‌شد. سر و بدن آدم برفی که کامل شد، بچه‌ها دو تا شاخه‌ی خشک درخت پیدا کردند و جای دست‌های آدم برفی گذاشتند. رضایک دانه گردو برای چشم‌های آدم برفی آورده بود. گردو را شکست و همه با هم خوردند و دو طرف





برنده شو



طاها ظریف



امروز یک بازی پرهیجان برایتان آورده ایم. شاید اسم این بازی را شنیده باشید. این بازی «شتاب» نام دارد. در این بازی کلی ماشین های داخلی و خارجی پیدا می شود که شما می توانید آن ها را خریداری کنید و بعد هم ارتقا دهید.

راستی این بازی را هم به صورت آنلاین و هم به صورت آفلاین می شود بازی کرد. مهارتی که باید برای این بازی داشته باشید دست فرمان خوب است تا بتوانید بدون تصادف مسیرها را طی کنید و برنده شوید.

تا یادم نرفته این را هم بگویم که این بازی، یک بازی داستانی است. یعنی شما با رقیبان مختلفی رقابت خواهید کرد و از هر فردی ببرید، به مرحله بعدی می روید و با رقیبان سرسخت تری مبارزه خواهید کرد.

این بازی همچنین مسابقات مختلفی نیز دارد مانند بخش روزانه، بخش پلکانی، بخش چالشی و شما می تواند در هر مرحله ماشین های خود را شخصی سازی کنید تا زیباتر و به سلیقه شما نزدیک تر شود.

برای بازی این کد را اسکن کنید.



اسکن کنید





دقیق باش و تفاوت‌ها را پیدا کن

بیچه‌های عزیز همه ما ساختن آدم برفی را در روزهای زمستانی دوست داریم. حالا با دقت در این دو منظره برفی، تعداد ۱۰ تفاوت را پیدا کنید.





چرا داری می دوی؟
تترس. وقتی زلزله می آید آرام
باش. ۲ خانه عقب برگرد
وزیر میز پناه بگیر.



چه کار خوبی
می کنی موقع زلزله!
کوچکترها مواظبت
۲ خانه برو جلو.



چرا
جلوی کمد
خوابیدی؟ اگر زلزله
بیاید خطر دارد! یک
بار تاس نریز و جای
بهتری برای خواب
پیدا کن.



آفرین
که می دانی موقع
زلزله نباید کنار
ساختمان های
بلند بایستی.
۲ خانه برو جلو.



شروع:

بچه ها می خواهند
باد بگیرند وقتی زلزله
می آید، چطور رفتار
کنند. با آن ها همراه شو
و کمکشان کن. تاس
بریز و شروع کن.

کجا می روی؟
زلزله که هنوز تمام
نشده ۲ خانه عقب
برگرد و جای امنی
پناه بگیر.



**زمان زلزله
کجا می روی؟**

شرح بازی: برای این بازی به یک تاس و به تعداد بازیکنان، مهره
نیاز داریم. بازی باتاس ۶ شروع می شود. برنده کسی است که زودتر
مسیر را طی کند و به نقطه ی پایانی برسد.
هدف این بازی آموزش نکاتی به بچه ها درباره ی مواظبت از خود
موقع وقوع زلزله است. بچه ها بازی می کنند و یاد می گیرند موقع
زلزله چه طور رفتار کنند.

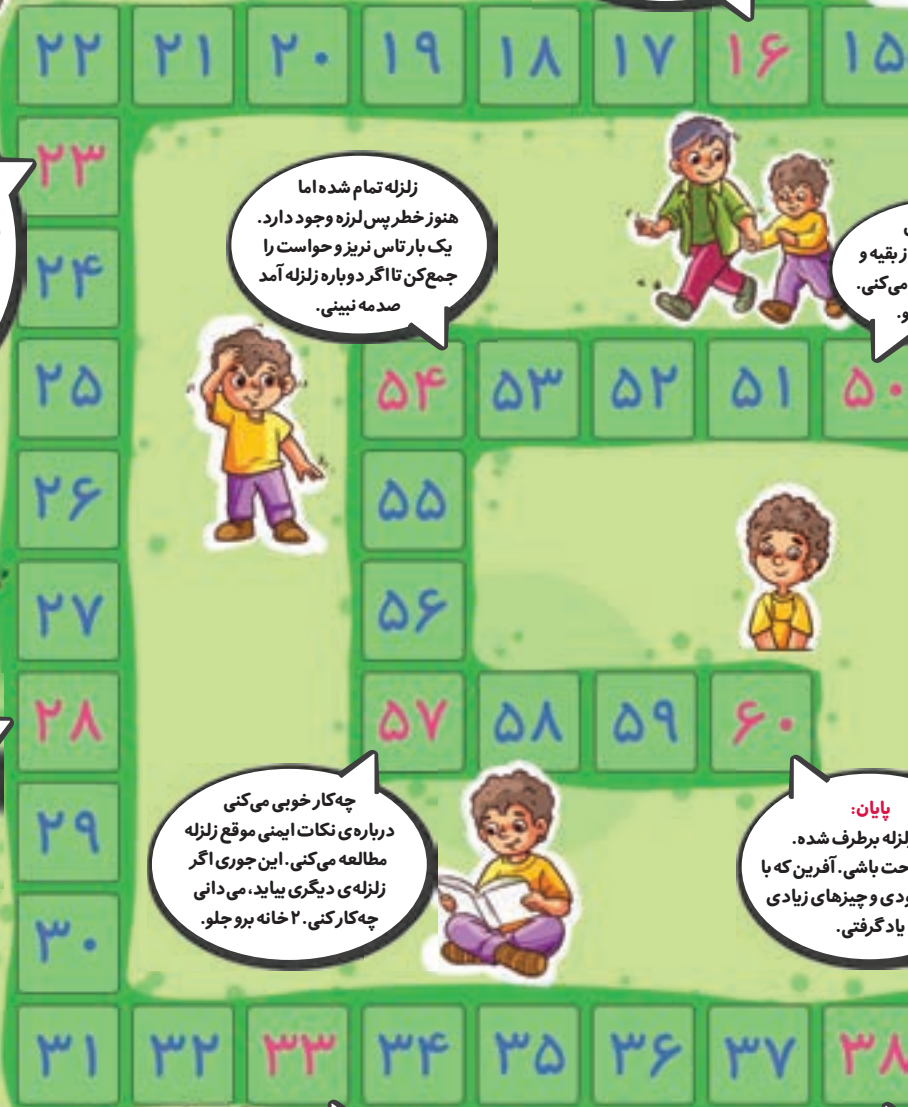


عبدالله سبحانی
روشنی





آفرین که موقع
زلزله به جای آسانسور از پله
استفاده می‌کنی. با احتیاط ۲ خانه
برو جلوتر.



چه کار
خوبی می‌کنی موقع
زلزله از شیشه‌ی پنجره
فاصله می‌گیری. ممکن
است شیشه بشکند
و روی سرت بریزد.
آفرین ۲! خانه برو
جلوتر.

زلزله تمام شده اما
هنوز خطر پس لرزه وجود دارد.
یک بار تاس نریز و حواست را
جمع کن تا اگر دوباره زلزله آمد
صدمه نبینی.



در مدرسه زلزله
آمده. چرا بقیه را
هل می‌دهی؟
۲ خانه به عقب
برگرد



چه کار خوبی می‌کنی
درباره‌ی نکات ایمنی موقع زلزله
مطالعه می‌کنی. این جور اگر
زلزله‌ی دیگری بیاید، می‌دانی
چه کار کنی. ۲ خانه برو جلو.



پایان:
زلزله برطرف شده.
حت باشی. آفرین که با
ردی و چیزهای زیادی
یاد گرفتی.



آفرین که چارچوب
در را برای پناه گرفتن انتخاب
کردی. زلزله که تمام شد ۳ خانه
برو جلو.



گفت‌وگو با پژوهشگر کوچک مشه‌دی:

با خدا از هیچ کس و هیچ چیزی نترسید



بچه‌های خوب! تاکنون فکر کرده‌اید به وجود آوردن این همه وسیله، مواد و امکاناتی که ما آدم‌ها در زندگی خود استفاده می‌کنیم چگونه به ذهن سازنده آن‌ها رسیده است؟ دوست خوب شما، مهدی سهرابی، دانش‌آموز کلاس دوم ۳ دبستان سمای ۳ اما به این موضوع مهم فکر کرده و برای اینکه چیزهای بیشتری بداند به پژوهش و تحقیق روی آورده است. او با نظارت پدرش از ۶ سالگی موادی را با هم قاتی می‌کرده و از دیدن تغییر رنگ یا حالت آن‌ها لذت می‌برده است. حالا، مهدی یکی از بهترین‌های جشنواره علمی جابرین حیان در استان است. گفت‌وگوی ما با این پژوهشگر کوچک را در ادامه بخوانید.

از شرکت در جشنواره جابرین حیان برایمان بگو.

برای شرکت در این جشنواره سه آزمایش متفاوت و جذاب انجام دادم. البته برای رسیدن به نتیجه مناسب حتما باید حوصله داشته باشیم و اگر آزمایشمان خوب پیش نرفت، زود خسته و ناامید نشویم. مثلاً من و بابایک آزمایش انجام دادیم، اما موادمان خراب شد، بعد از آن دوباره و با دقت انجام دادیم که به نتیجه رسید و فهمیدیم برای هر کاری باید دقت و توجه خود را زیاد کنیم.

مهدی جان! از چه وقت و چرا به تحقیق و پژوهش علاقه مند شدی؟

من همیشه فکر می‌کردم دانشمند شدن خیلی کار سختی است، اما دوست داشتم خیلی چیزها بدانم برای همین پدرم به من کمک کرد تا در خانه با استفاده از مواد ساده و ایمن، آزمایش‌های بی‌خطری را انجام دهم که هم سرگرم‌کننده بودند، هم آموزشی. به همین ترتیب از کلاس اول فهمیدم آزمایش و تحقیق چقدر می‌تواند جذاب باشد. پس از آن با راهنمایی پدر و معلمم با انجام یک آزمایش در جشنواره جابرین حیان شرکت کردم و رتبه خوبی هم به دست آوردم.





به چه فعالیت های دیگری

علاقه مندی؟

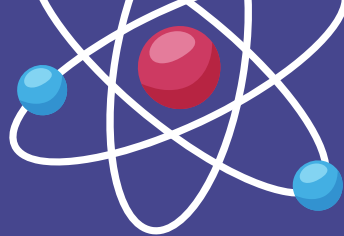
به فوتبال و رباتیک هم علاقه مندم و الان دوره های رباتیک را می گذرانم. به جز کتاب های درسی، کتاب های علمی و داستان هم مطالعه می کنم. در خانه و با لوازم آزمایشی که پدر و مادرم برایم تهیه می کنند کار می کنم. شریک علمی من بابا و مامانم هستند که در این راه همیشه به من کمک کرده اند. به ویژه بابا که خیلی مرا همراهی می کند. خانم رئیس زاده معلم آزمایشگاهم و معلم کلاس اولم خانم حسینی نژاد هم خیلی به من روحیه دادند که خیلی دوستشان دارم.

برای رسیدن به پیروزی چه کارهایی را لازم

می دانی؟

عقیده دارم تلاش و پشتکار برای موفقیت لازم است، اما هم زمان با درس خواندن و پژوهش، می توانیم در برنامه خودمان تفریح و بازی هم داشته باشیم، مثلاً به جز درس و مدرسه، شرکت در کلاس های فوق برنامه مانند پیانو، رباتیک و فوتبال هم می تواند عامل پیشرفت من باشند.

همیشه به دوستانم می گویم بدانید که خدا همه وقت پیش شماست و هر کمکی خواستید از او بگیرید و با خدا از هیچ کس و هیچ چیزی نترسید.



آزمایشی که در جشنواره شرکت دادی چه

بود؟

اول با پدرم از یک نانوائی خمیر گرفتیم، بعد در یک شیشه آزمایش، خمیرریختیم و یک نی و بادکنک روی آن قرار دادیم. پس از مدتی دیدیم خمیر به کمک باکتری های خوب خود بالا آمده و سبب باد شدن بادکنک شده است. نتیجه ای که از این آزمایش گرفتم این بود که همه باکتری ها و میکروب ها مضر نیستند و بعضی از آن ها موجودات مفیدی هستند که می توانند در بخش های مختلفی مانند سلامتی در بدن ما یا در آشپزی و نانوائی کمکمان کنند.

دوست داری باز هم در جشنواره جابر

شرکت کنی؟

بله. وقتی معلم کلاس اولم موفقیت در جشنواره جابر را به من خبر داد و توانستم رتبه اول در مدرسه، دوم در ناحیه و سوم در استان را در این رقابت به دست آورم برایم سبب خوش حالی و انگیزه بیشتری شد. بنابراین با این پیروزی و علاقه زیادی که به تحقیق پیدا کرده ام باز هم آزمایش های دیگری را انجام می دهم و دوست دارم با این روش و کشف موضوعات جدید مانند جابربن حیان که یک دانشمند بوده و پدر علم شیمی نام گرفته است به آینده کشورم کمک کنم.

امسال تلاش می کنم در رباتیک هم موفق باشم و در کنار آن آزمایش های جدیدی برای جشنواره جابر انجام دهم. البته در حال انجام آزمایش جدیدی با هدف حفظ طبیعت برای شرکت در جشنواره جابربن حیان هستم.





توپک های شکلاتی

آن روز مهسا دلش یک دسر خوش مزه می خواست. از مادرش خواست که برایش یک دسر درست کند. مادر یک بسته بیسکویت را کامل پودر کرد. یک موز را هم با چنگال له کرد. بعد مواد را با دست خوب قاتی کرد. وقتی مواد مخلوط شدند کم کم از آن ها برداشت و به شکل توپک درست کرد. توپک ها را داخل ظرف چید و یک ساعت توی یخچال گذاشت. تا وقتی توپک ها آماده شود، مهسا یک بسته شکلات را آورد و خرد کرد. مادر شکلات را داخل ظرف ریخت و روی کتری گذاشت تا باز شود. بعد توپک ها را یکی یکی داخل مایع شکلات زدند و در ظرف چیدند و با مقداری پودر نارگیل روی آن ها را تزیین کردند. البته هنوز توپک ها آماده نبودند و باید دوباره داخل یخچال می رفتند. بعد از یک ساعت توپک های شکلاتی آماده بودند. مهسا با پدر و مادرش این توپک های خوش مزه را با چایی خوردند. او چند تا هم کنار گذاشت تا فردا به مدرسه ببرد.

بچه ها خوب است که برای مدرسه از خوراکی هایی استفاده کنیم که سالم و مقوی هستند.

چی لازم داریم ؟

بیسکویت پتی بور: یک بسته

موز: یک عدد

شکلات: یک بسته

پودر نارگیل یا پسته: به میزان لازم



leee



دو کتاب جالب و خواندنی



موضوع داستان این هفته ما درباره یک سنگ ریزه و خواهر و برادرهایش است. یک روز که سنگ ریزه به همراه خانواده اش می خواست کنار برکه برود. سنگ ریزه آرزو کرد که ای کاش بتواند شنا کند، اما مگر سنگ ریزه می توانست شنا کند؟ شما چی فکر می کنید؟ در بخشی از این داستان می خوانیم: «مامان سنگی» به سنگ ریزه ها گفت که می توانند آب بازی کنند ولی شنا نه! چوب سعی کرد برای سنگ ریزه ها توضیح دهد که چرا نمی توانند شنا کنند، اما یک مشکلی وجود داشت.

خب اگر شما هم دوست دارید بیشتر در مورد داستان این کتاب بدانید، پیشنهاد می کنم «سنگ ریزه های بدون اسم» را مطالعه کنید. این کتاب برای کودکان گروه سنی پایه اول تا سوم دبستان مناسب است.



اسم کتاب: سنگ ریزه های بدون اسم
نام نویسنده: سید نوید سید علی اکبر
سال نشر: ۱۳۹۷- اسم نشر: انتشارات شهر قلم



اگر شما هم از آن هایی هستید که عاشق رفتن به سیرک و دیدن شعبده بازی هستید، باید این کتاب را بخوانید.

داستان ما در این کتاب درباره یکی از مارهای سیرک یعنی آقای پیتون است. او که عادت دارد همیشه یک پاپیون به گردنش ببندد یک روز تصمیم می گیرد که به جای غذاهای سیرک، موش شکار کند. او موش موشک را برای غذای خود انتخاب می کند، اما موش بیچاره که دوست ندارد خورده شود، به آقای پیتون پاپیونی پیشنهاد می دهد که اگر او را نخورد کمک می کند تا او جنگل را ببیند اما... اگر شما هم دوست دارید ادامه داستان را بدانید پیشنهاد می کنم کتاب «آقای پیتون پاپیونی» را مطالعه کنید. این کتاب برای کودکان پیش دبستانی تا سوم دبستان مناسب است.



اسم کتاب: آقای پیتون پاپیونی
نام نویسنده: اعظم مهدوی
سال نشر: ۱۳۹۹- اسم نشر: انتشارات فنی ایران





حسود همیشه تنهاست



مرجان اسماعیلی

گاهی که هم کلاسی، دوست یا خواهر و برادرمان چیزهای نو دارند که ما نداریم یا نمره بالاتری از ما گرفته اند، یا وقتی دو نفر از دوستانمان می خواهند با هم جایی بروند و ما را نمی برند ممکن است حس بدی به سراغ ما بیاید، یک حس عجیب و غریب که به آن حسادت می گویند. ما نباید این حس را توی دلمان نگه داریم چون رفتار خیلی بدی است و به جسم و جان ما آسیب می زند! راستی هیچکس آدم حسود را دوست ندارد و او همیشه تنهاست.

۱
بیا هلیا جان
این هم کیف
جدیدت. کلی هم جا
داره.

۲
چه قشنگه.
چرا برا من نخریدین؟
چرا همش برای هلیا
چیزهای قشنگ
می خرین.

۳
هانیه جان
کیف هلیا مال پارسال
بود و کتاب های
امسالش زیادن. برای
همین براش کیف
جدید خریدیم.

۴
هانیه جان
لباست روتوم
کردم. بیا بیوش
بین اندازه اته.
اگه هلیا کیف
جدید داره تو
هم یک لباس
جدید داری.

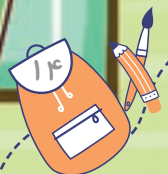
۵
به به چه
خوب شده. مرسی
مامان جونم. خیلی
قشنگه!



۶
بابا، علی
دو چرخه خریده. خیلی
قشنگ بود. کاش برا منم
می خریدین. این قدر
پز می داد با دو چرخه
جدیدش.

۷
پسرم ماکه نباید
هر چی بقیه دارن رو بخریم.
تازه پز دادن کار خوبی
نیست و شما هم یاد ت رفته
همه مشورت کردیم تبلت
بخریم که به درس هات
کمک کنه.

۸
آره
راست میگین.
تبلت بیشتر لازم
می شه.





۲

امروز مبینا و مهسا با هم قرار گذاشتن ولی به من چیزی نگفتن. از دستشون خیلی عصبانی هستم.

چی شده سارا جان چرا ناراحتی؟

۱

مگه میشه یادم بره!

مهسا یادداشت نره ساعت ۴.

یعنی می خوان چکار کنن؟ چرا به من نگفتن؟

۳

دخترم خب شاید کاری داشتن که فقط خودشون دو تا باید باشن. اگه دوست داری ما هم می تونیم بریم پیش مادر بزرگ. امروز سراغت رومی گرفت.

چه خوب... آره بریم... دلم برای مادر بزرگ تنگ شده.

۲

نازنین اگه خواستی برای امتحان بعدی با هم درس بخونیم.

راست میگی؟ خیلی عالی میشه خیلی دوست دارم این دفعه نمره بهتری بگیرم.

غصه نخور من کمکت می کنم.

۱

چرا همیشه مریم نمره هاش از من بیشتر میشه؟

آخ چون من بیست شدم.

چطور نمونه باشیم؟ دخترِ مهربون و نمونه

تا حالا فکر کردین نمونه یعنی چی و به چه کسی نمونه می‌گن؟ آیا نمونه شدن مال بزرگ‌تراست یا بچه‌ها هم می‌تونن نمونه باشن و همه توی حرفای خوبشون از اون‌ها یاد کنن؟ وقتی بچه‌ای مؤدب و با تربیت باشه و بدونه که در جاهای مختلف باید با دیگران چه رفتار مناسبی داشته باشه، یه بچه خوب و نمونه به حساب میاد. یکی از خویای نمونه بودن اینه که همیشه اعتماد به نفس داری و درسات رو خوب یاد می‌گیری.



اسم این دختر یسنا فردوسی سراندیپی است. یسنا ۸ سالشه و تو مدرسه اطهار پایه دوم درس می‌خونه.



یسنا یه قانون برای خودش داره و اونم اینه که بعد از مدرسه اول تکالیفش رو باید انجام بده.





می دونین اوتوی اقوام به دختری مهربون
مشهوره؟ می دونین چرا؟ چون او خیلی
خانواده دوسته و حرف پدر و مادرش رو گوش
میده و وقتای بیکاری به مادرش کمک می کنه.



وقتایی که مامان مشغول کاره، بدون اینکه کسی به یسنا
بگه او خودش از لیانا خواهر کوچولوش مراقبت می کنه.



یسنا همیشه با بابا بزرگ و مادر بزرگ
خیلی مهربونه و دوششون داره.



یسنا به مطالعه کتاب های
غیردرسی هم علاقه منده
و کتاب داستان مورد
علاقه اش «دختر کبریت
فروش» هست و الان
هم تازه مطالعه داستانی شاهنامه رو شروع کرده.

باتشکر از عکاس محترم مامان یسنا



